

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

بررسی سیر تطور گزارش شعرسرای امام هادی علیه السلام نزد متوکل

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۶/۷/۲۵

منصور داداش نژاد^۱

لیلا شریفی^۲

بر اساس گزارش‌های موجود در برخی از منابع، امام هادی علیه السلام (م ۲۵۴ق) در یکی از مجالس متوکل عباسی (ح ۲۳۲-۲۴۷ق) اشعاری در فنا و بی‌اعتباری دنیا خوانده و متوکل را تحت تأثیر قرار داده است. منابع موجود درباره پیشینه این شعر، سراینده آن، تعداد ابیات و برخی جزئیات دیگر آن، با هم تفاوت دارند. این پژوهش، درصدد است با رویکردی تاریخی و با مطالعه منابع تاریخی، حدیثی، تفسیری و ادبی، این رویداد را بررسی کند و سیر تطور گزارش آن را نشان دهد.

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که شعر یادشده، از جمله اشعار عمومی است که پیشینه‌ای قبل از امام هادی علیه السلام دارد و در موقعیت‌های مربوط به یادکرد مرگ بر زبان آورده می‌شده و آن حضرت، تنها بدان تمثل کرده

۱. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، گرایش تاریخ اسلام، رایانامه:

m.dadash@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، مدرسه علمیه معصومیه، رایانامه: L.sharifi.1395@gmail.com

است. همچنین، انتساب این اشعار به امیر مؤمنان، علی علیه السلام و نیز اصالت ابیاتی که در منابع عصر صفوی ذکر شده، به استناد این منابع، قابل اثبات نیست.

کلیدواژگان: امام هادی علیه السلام، شعسرایی، متوکل، ادبی.

مقدمه

امام هادی علیه السلام دهمین پیشوای شیعیان در ذی‌الحجه سال ۲۱۳ق در مدینه به دنیا آمد و در سال ۲۲۰ق به امامت رسید. امامت آن حضرت، ۳۳ سال استمرار یافت و در سال ۲۵۴ق به شهادت رسید. او با شش خلیفه عباسی، از جمله متوکل (خلافت ۲۳۲-۲۴۸ق) هم‌عصر بود. متوکل در سخت‌گیری علیه شیعیان و رهبران ایشان، سرآمد دیگر خلفای عباسی بود.^۱ یک سال پس از آغاز خلافت متوکل، در سال ۲۳۳ق امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا احضار شد و تحت کنترل و مراقبت دستگاه خلافت قرار گرفت و گاه به دربار خلیفه احضار می‌شد. متوکل برای تحقیر امام هادی علیه السلام یک بار او را به مجلس بزم خود که همراه با شراب‌نوشی بود، احضار نمود. امام در مجلس حاضر شد؛ اما فرمان متوکل در نوشیدن شراب را نپذیرفت و با خواندن شعری، متوکل را متنبه ساخت.^۲ گزارش این مجلس و برخورد متوکل با امام، در منابع بسیاری با گرایش‌های شیعی و سنی آمده و به عنوان یکی از ویژگی‌های امام که عبارت از نفوذ کلام وی در منقلب کردن افراد است، در منابع تاریخی نقل شده است؛ اما تاکنون سیر تطور و گسترش این خبر، مورد بررسی و واکاوی قرار نگرفته است. این مقاله، چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد.

۱. حمدالله مستوفی قزوینی، تاریخ‌گزیده، ص ۳۲۲.

۲. علی بن‌الحسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱.

اهمیت بررسی این موضوع، از آن روست که می‌تواند سیره امام هادی علیه السلام در باب شعرخوانی و تمثیل به آن را روشن کرده و روابودن آن را بیان کند؛ درحالی‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شعرخواندن پرهیز می‌کرد و آرای فقہی نیز در باب کراهت سرودن شعر در دست است.^۱ علاوه بر این، با بررسی موردی موضوع تلاش می‌شود، موضوع انتساب اقوال و سخنان حکیمانه به بزرگان دین را دقیق‌تر بکاوییم. این تحقیق، بر پایه جست‌وجو در منابع گوناگون تاریخی، حدیثی، ادبی و فقہی سامان یافته است و نرم‌افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بیشترین کمک را در این زمینه کرده است. پژوهش حاضر، فاقد قلمروی مکانی است و به لحاظ زمانی، پژوهش‌ها و نگارش‌های انجام‌شده تا عصر صفوی (۹۰۷-۱۳۵۰ق) را پوشش داده است.

بیشتر منابع جدیدی که در باب تاریخ و سیره امام هادی علیه السلام تدوین شده، شعر آن حضرت را گزارش کرده‌اند، اما هیچ‌کدام به بررسی سیر تطور و افزایش آن که این مقاله درصدد نشان‌دادن آن است، نپرداخته‌اند.

۱. گزارش احضار امام هادی علیه السلام توسط متوکل عباسی

منابع در شرح حال امام هادی علیه السلام نوشته‌اند: گروهی از درباریان متوکل، نزد وی از امام هادی علیه السلام سعایت کرده و او را متهم به اقداماتی علیه حکومت و ارتباط با مخالفان خلافت نمودند. متوکل شبانه عده‌ای را مأمور کرد تا به بازرسی منزل امام اقدام کنند. مأموران چیز مشکوکی در منزل وی نیافتند و امام را مشغول عبادت و تلاوت آیات الهی یافتند. حضرت را با همان وضع، نزد متوکل که در مجلس می‌گساری بود، بردند. متوکل که بهانه‌ای برای آزار امام نداشت، جامی از شراب به امام تعارف کرد. حضرت فرمود: «گوشت و خون من هرگز با می‌آلوده نشده است؛ مرا از آن معاف دار.» متوکل ایشان را معاف داشت و از او

۱. محمدبن حسن طوسی، *الخلافا*، ج ۶، ص ۳۰۸؛ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۱۰، ص ۱۶۹.

خواست شعری بخواند که موجب خرسندی و سرور وی شود. امام علیه السلام عذر خواست؛ اما او پافشاری کرد و عذر نپذیرفت. امام اشعار ذیل را که مشتمل بر نه بیت بود، در مجلس خواند:^۱

(۱) باتوا على قُللِ الأَجبالِ تحرسهم	غُلِبُ الرجالِ فما أَعنتهمُ القُللُ
(۲) واستنزلوا بعد عزٍّ عن معاقلهم	فأودعوا حُفراً، يا بئس ما نزلوا
(۳) ناداهم صارخ من بعد ما قبروا	أين الأُسرةُ والتيجانُ والحللُ؟
(۴) أين الوجوه التي كانت منعمّة	من دونها تضرب الأستار والكللُ
(۵) فأفصح القبر عنهم حين ساء لهم	تلك الوجوه عليها الدود يقتتل
(۶) قد طالما أكلوا دهرًا وما شربوا	فأصبحوا بعد طول الأكل قد أكلوا
(۷) وطالما عمروا دوراً لتحصنهم	ففارقوا الدور والأهلين وانتقلوا
(۸) وطالما كنزوا الأموال وادّخروا	فخلّفوها على الأعداء وارتحلوا
(۹) أضحت منازلهم قفراً معطلّة	وساكنوها إلى الأجدات قد رحلوا

ترجمه:

۱. «بر قله کوه‌ها به سر می‌بردند و مردان نیرومند حراست آنها می‌کردند؛ اما قله‌ها سودی برای آنها نداشت.»
۲. «از پس عزت، از پناهگاه‌های خود برون آورده شدند و در حفره‌ها جایشان دادند و چه فرود آمدن بدی بود.»
۳. «از پس آنکه در گور شدند، یکی بر آنها بانگ زد که تخت‌ها و تاج‌ها و زیورها کجا رفت؟»

۱. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱.

۴. «چهره‌هایی که به نعمت خو کرده بود و پرده‌ها جلوی آن آویخته می‌شد، چه شد؟»
۵. «قبر به سخن آمد و گفت: کرم‌ها بر این چهره‌ها کشاکش می‌کنند.»
۶. «روزگاری دراز خوردند و نوشیدند و از پس خوراکی طولانی خورده شدند.»
۷. «مدت‌ها خانه‌ها ساختند تا در آنجا محفوظ مانند و از خانه‌ها و کسان خویش دور شدند و برفتند.»
۸. «مدت‌ها مال اندوختند و ذخیره کردند و برای دشمنان گذاشتند و برفتند.»
۹. «منزل‌هایشان خالی ماند و ساکنانش به گور سفر کردند.»

۲. گونه‌ها و انواع مختلف یادکرد از این حادثه

اشعار یادشده در منابع متنوعی بازتاب یافته است و همه منابع، اطلاعات یکسانی از این حادثه به دست نداده‌اند. برخی منابع، این شعر را سروده‌ای کهن و مربوط به قبل از ایام امام هادی علیه السلام دانسته‌اند و برخی نیز مربوط به موقعیت و جایگاه دیگری که ارتباط با امام هادی علیه السلام نمی‌یابد، دانسته‌اند. گونه‌های متفاوت نقل این حادثه و اشعار، به شرح زیر است:

گونه اول: برخی نویسندگان اشعار یادشده را ذیل عناوین «مرگ» درج کرده‌اند و از سراینده آن یاد نمی‌کنند. پیشگام این نویسندگان، ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) است که با آوردن شش بیت از این اشعار، می‌نویسد: شعر مذکور، بر قبری در شام قرائت شده است.^۱

گونه دوم: گروهی این اشعار را نقش‌بسته بر کاخ سیف‌بن‌ذی یزن، مشهور به قصر غُمدان که مربوط به پیش از اسلام است، دانسته‌اند. ابوبکر احمد دینوری (م ۳۳۳ق) در کتاب *المجالسة وجواهر العلم* برای نخستین بار چنین گفته است.^۲

۱. ابن قتیبه دینوری، *عیون الأخبار*، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲. احمد بن مروان بن محمد دینوری، *المجالسة وجواهر العلم*، ج ۱، ص ۳۹۰.

گونه سوم: جمع بسیاری از نویسندگان، اشعار پیش گفته را منتسب به امام هادی علیه السلام و قرائت شده در مجلس متوکل دانسته‌اند. مسعودی (م ۳۴۶ق) در *مروج الذهب* نخستین نویسنده‌ای است که چنین گزارشی را ثبت کرده است.^۱

گونه چهارم: عده‌ای شعر یادشده را منسوب به امام علی علیه السلام می‌دانند. میبیدی (م ۹۱۱ق)، از جمله ایشان است.^۲ برخی معتقدند که این اشعار از امام علی علیه السلام بوده و توسط امام هادی علیه السلام در مجلس بزم متوکل خوانده شده است.^۳ در میان آرای پیش گفته، نظر سوم که این اشعار را منسوب به امام هادی علیه السلام دانسته، از شهرت بیشتری برخوردار است.

۳. سیر تطور شعر امام هادی علیه السلام در منابع

منابع قرن سوم و چهارم، برای نخستین بار به این اشعار توجه نموده‌اند و منابع بعدی، معمولاً گزارش‌های پیشین را نقل کرده و متأثر از اشتباهات و یا افزوده‌ها و کاستی‌ها، دچار اختلافات جزئی در این اشعار شده‌اند. اینک سیر تطور یادکرد از این شعر در منابع و تفاوت آنها ذیل همان چهار گونه یادشده، مورد بررسی قرار گرفته می‌شود:

الف. گونه نخست: روایت ابن قتیبه دینوری

روایت ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ق) در *عیون الاخبار*، نخستین و کهن‌ترین گزارشی است که این شعر در آن یافت می‌شود.^۴ این گزارش، دارای چهار ویژگی است:

۱. ابن قتیبه برای گزارش خود، سندی ارائه نکرده و با تعبیر «بلغنی» این گزارش را نقل می‌کند. از این رو، احتمال دارد گزارش را شفاهی دریافت کرده باشد.

۱. علی بن الحسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۱۱.

۲. حسین بن معین الدین میبیدی، *دیوان امیر المومنین علی علیه السلام*، ص ۳۲۱.

۳. مجدالدین نجفی اصفهانی، *المختار من القصائد والأشعار*، ص ۱۱.

۴. ابن قتیبه دینوری، *عیون الأخبار*، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲. گوینده و سراینده اشعار، مشخص نیست.
۳. تنها شش بیت اول این شعر را آورده است.
۴. شعر یادشده بر سر قبری در شام قرائت شده و هیچ ارتباطی با امام هادی علیه السلام نداشته است.

این گزارش، به همین کیفیتی که ابن قتیبه نقل کرده، در منابع پسین رواج درخوری نیافته است و تعداد اندکی از نویسندگان بعدی، گزارش را به گونه ابن قتیبه نقل کرده‌اند. ابن ناکیا (م ۴۵۸ق) در *الجمان فی تشبیه القرآن*، گزارش را به گونه ابن قتیبه آورده است.^۱

نویسندگان دیگری، همین اشعار را یا برخی از ابیات آن را در موقعیت‌های مربوط به یادآوری مرگ و تذکر بر بی‌وفایی و فنای دنیا ثبت کرده‌اند. مؤلف ناشناس قرن چهارم و صاحب کتاب *تفسیر فارسی کهن*،^۲ ابوحنان توحیدی (م ۴۱۴ق)،^۳ ابن عبدالبر (م ۴۶۴ق)،^۴ میبدی (م ۵۳۰ق)،^۵ ابن جوزی (م ۵۹۷ق)،^۶ دیلمی (م ۸۴۱ق)^۷ و سخاوی (م ۹۰۲ق)،^۸ از جمله نویسندگانی هستند که هنگام یاد از فنای دنیا و نیز در ذکر مرگ افراد، از این اشعار بدون اینکه ریشه و زمینه آن را بیان کنند، استفاده کرده‌اند. از نظر این گروه، این اشعار، اشعاری عمومی و کهن برای موقعیت‌های تعریف‌شده است و نیازی به دانستن سراینده آن نیست.

-
۱. عبدالله بن محمد ابن ناکیا، *الجمان فی تشبیه القرآن*، ص ۱۱۲.
 ۲. ناشناس، *بخشی از تفسیری کهن به فارسی (قرن چهارم)*، ج ۱، ص ۲۱۹.
 ۳. علی بن محمد ابوحنان توحیدی، *البصائر والذخائر*، ج ۴، ص ۱۹۸.
 ۴. یوسف بن عبداللهابن عبدالبر، *بهجة المجالس*، ج ۳، ص ۳۲۳.
 ۵. رشیدالدین میبدی، *کشف الأسرار*، ج ۲، ص ۵۹۱؛ همان، ج ۵، ص ۱۴۹.
 ۶. عبدالرحمن بن جوزی، *بستان الواعظین*، ص ۱۹۴.
 ۷. حسن بن محمد دیلمی، *ارشاد القلوب*، ج ۱، ص ۲۹.
 ۸. محمد بن عبدالرحمن سخاوی، *الضوء اللامع*، ج ۳، ص ۵۸.

ب. گونه دوم: روایت وهب بن منبه

حدود پنجاه سال بعد از ابن قتیبه دینوری، همشهری او به نام ابوبکر احمد بن مروان دینوری (م ۳۳۳ق)، نویسنده کتاب *المجالسة و جواهر العلم*، این اشعار را در کتاب خود درج کرده و سندی برای آن ذکر کرده است.^۱

ویژگی گزارش وی، به شرح زیر است:

۱. سند گزارش خود را به وهب بن منبه (م ۱۱۴ق) می‌رساند و چنین معرفی می‌نماید: «حدثنا احمد بن محمد البغدادي حدثنا عبد المنعم بن ادريس عن ابيه عن وهب بن منبه».^۲
۲. در این گزارش نیز سراینده شعر مشخص نیست.
۳. در این گزارش نیز شش بیت اول این اشعار درج شده است.
۴. بر اساس گزارش وی، این شعر بر کاخ سیف بن ذی یزن در یمن با خط مُسند نوشته شده بود و بعدها به عربی ترجمه شده است. سیف بن ذی یزن، از پادشاهان یمن بود و پنجاه سال پیش از ظهور اسلام می‌زیست.
- گزارش ابوبکر احمد دینوری، در منابع بعدی راه یافت و به همان گونه نقل شد. طرطوشی (م ۵۲۰ق) در *سراج الملوك* در عنوان «فی مواعظ الملوك» شش بیت از این اشعار را از قول وهب بن منبه می‌آورد و می‌گوید: این اشعار، بر کاخ سیف بن ذی یزن نوشته شده بود.^۳ طرطوشی، از منبع خویش یادی نمی‌کند. ابشیهی (م ۸۵۰ق) در *مستطرف*،^۴ سخاوی (م ۹۰۲ق) در *البلدانیات*،^۵ بحرانی (م ۱۱۸۶ق) در *کشکول*^۶ و ابن عجیبه (م

۱. احمد بن مروان بن محمد دینوری، *المجالسة و جواهر العلم*، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. همان.

۳. محمد بن محمد بن ولید قهری طرطوشی مالکی، *سراج الملوك*، ص ۱۰.

۴. محمد بن احمد ابشیهی، *المستطرف*، ص ۵۱۶.

۵. محمد بن عبدالرحمن سخاوی، *البلدانیات*، ص ۱۹۹.

۶. یوسف بن احمد بحرانی، *الکشکول*، ج ۱، ص ۲۷۶.

۱۲۲۴ق) در البحر المدید،^۱ همین گزارش را که منتهی به وهب بن منبه می‌شود، درج کرده‌اند.

این گزارش، همسو با گزارش نخست و تکمیل‌کننده آن است. به احتمال، ریشه گزارش ابن قتیبه نیز همین گزارش بوده که برخی خصوصیات از آن حذف گردیده است. زمان زیست ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) مقدم بر ابوبکر احمد دینوری (م ۳۳۳ق) است؛ اما با توجه به سندی که ابوبکر دینوری برای نقل این شعر ارائه کرده و آن را به وهب بن منبه (م ۱۱۴ق) رسانده، می‌توان به قدمت گزارش وی دست یافت و احتمال داد که ریشه گزارش ابن قتیبه، همان خبر وهب بن منبه است.

ج. گونه سوم: روایت مبرّد

اندکی بعد، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ق) در مروج الذهب روایت دیگری از این گزارش به دست می‌دهد.^۲ گزارش مسعودی تفاوت‌های اساسی با دو گزارش پیشین دارد:

۱. سند مسعودی متفاوت از منابع پیشین و چنین است: «وحدث أبو عبد الله محمد بن عرفة النحوی قال: حدثنا محمد بن یزید المبرّد قال: ...» سند مسعودی به محمد بن یزید مبرّد (م ۲۸۵ق) منتهی می‌شود و مشخص نیست مبرّد با چه سندی این مطلب را نقل کرده است. بنابراین، سند مسعودی نسبت به سند قبلی که به وهب بن منبه (م ۱۱۴ق) منتهی می‌شد، متأخر است. شایان ذکر است که این متن، در الکامل مبرّد یافت نمی‌شود تا بتوان استمرار سند را پی گرفت.

۲. مهم‌ترین تغییری که در روایت مسعودی وجود دارد، ارتباط یافتن اشعار با امام هادی علیه السلام و خواندن این اشعار توسط آن حضرت در مجلس بزم متوکل است. در این گزارش، پس از سعایت نزدیکان متوکل از امام هادی علیه السلام و تفتیش منزل وی و پی‌بردن به

۱. احمد بن عجبیه، البحر المدید، ج ۵، ص ۲۸۹.

۲. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱.

بی گناهی امام، متوکل با شنیدن اشعاری که توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد، تحت تأثیر قرار گرفت.^۱

۳. در گزارش مسعودی، بیت‌های شعر، از شش بیت در روایت وهب‌بن‌منبه به نه بیت افزایش یافت و سه بیت در انتهای آن افزوده شد.

د. مسعودی از واژه «آنشد» برای سرایش شعر توسط امام، استفاده کرده است که بیانگر خواندن و تمثیل آن حضرت به شعر است؛ نه اینکه خود امام این شعر را سروده باشد.^۲

منابع بعدی، تحت تأثیر مسعودی، گزارش را با اتکای به *مروج الذهب* به صورت مستقیم یا با واسطه منابع دیگر، به‌ویژه از طریق *وفیات الأعیان* ابن خلکان (م ۸۱۶ق) درج کرده‌اند. برخی نیز بدون ذکر منبع خود، گزارش را همانند مسعودی آورده و آن را مرتبط با امام هادی علیه السلام و متوکل دانسته‌اند که بیانگر استفاده آنان از مسعودی، بدون یاد از منبع خویش است. این گزارش، بیشترین تکرار و بسامد را در منابع پسین یافته است. برخی نویسندگانی که گزارش را به مانند *مروج الذهب* مسعودی آورده‌اند و قرائت این اشعار توسط امام هادی علیه السلام را مربوط به مجلس بزم متوکل دانسته‌اند، به شرح ذیل می‌باشند:

عبدالملک‌بن‌کردبوس توزری (زنده در ۵۷۵ق) در *الاكتفاء*،^۳ شریشی (م ۱۹۹ق) در شرح *مقامات الحریری*،^۴ ابن‌بُحتری حلبی (م بعد ۲۵ق) در *أنس المجنون*،^۵ سبب‌بن‌جوزی (م

۱. کراچکی (م ۴۴۹ق) در *کنز الفوائد*، ج ۱، ص ۳۴۱، بدون مراجعه و یاد از منبع خویش می‌نویسد: «یکی از سلاطین عباسی یکی از ائمه را احضار کرد و من گمان می‌کنم آن امام، امام جواد علیه السلام بوده و خلیفه عباسی هم متوکل بوده است و متوکل از امام خواست شعری بخواند؛ امام هم این اشعار را خواند.» ایشان در ادامه شش بیت از اشعار را آورده است. آشکار است که کراچکی از حافظه خویش استفاده کرده است؛ زیرا امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ به شهادت رسید و زمان متوکل را درک نکرده است.

۲. بنگرید: مرتضی زبیدی، *تاج العروس*، ج ۹، ص ۲۲۳.

۳. عبدالملک‌بن‌کردبوس توزری، *الاكتفاء*، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. احمدبن‌عبدالمومن قیسی الشریشی، شرح *مقامات الحریری*، ص ۲۱۵.

۵. عیسی‌بن‌بُحتری حلبی، *أنس المجنون*، ص ۲۴۲.

۵۴ق) در تذکرة الخواص،^۱ ابن خلکان (م ۶۸۱ق) در وفیات الأعیان،^۲ علامه حلی (م ۷۲۶ق) در منهاج الكرامة،^۳ ابوالفداء (م ۷۳۲ق) در تاریخ ابوالفداء،^۴ ذهبی (م ۷۴۸ق) در تاریخ الاسلام،^۵ ابن الوری (م ۷۴۹ق) در تتمه المختصر،^۶ صفدی (م ۷۶۴ق) در الوافی بالوفیات،^۷ یافعی (م ۷۶۸ق) در مرآة الجنان،^۸ ابن کثیر (م ۷۷۴ق) در البدایة والنهاية،^۹ سید حیدر آملی (م ۷۸۲ق) در تفسیر المحيط الأعظم^{۱۰} و خواجه محمد پارسا (م ۸۲۲ق) در فصل الخطاب.^{۱۱}

نویسندگان بسیار دیگری نیز تحت تأثیر مستقیم مسعودی^{۱۲} و یا با واسطه منابع دیگر، به‌ویژه به نقل از ابن خلکان، همان گزارش مسعودی را پوشش داده‌اند.^{۱۳}

۱. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۳.

۲. احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۲۷۲.

۳. حسن بن یوسف حلی، منهاج الكرامة، ص ۶۵.

۴. اسماعیل بن علی ابوالفداء، تاریخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۳۶۰.

۵. شمس‌الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۱۹۱.

۶. زین‌الدین عمر ابن الوردی، تتمه المختصر، ج ۱، ص ۳۴۷.

۷. صلاح‌الدین خلیل بن ایبک صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۴۸.

۸. عبدالله بن علی بن سلیمان یافعی، مرآة الجنان، ج ۲، ص ۱۶۰.

۹. عمادالدین اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایة والنهاية، ج ۱۱، ص ۱۵.

۱۰. حیدر بن علی آملی، تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۵۷۵.

۱۱. خواجه محمد پارسا، فصل الخطاب، ص ۵۹۱.

۱۲. برخی منابع دیگر که این اشعار را به اتکای گزارش مسعودی در باره امام هادی علیه السلام دانسته‌اند و آن را نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از: دمیری (م ۸۰۸ق) در حیاة الحیوان؛ قلقسندی در مآثر الانافة؛ ابن طولون (م ۹۵۳ق) در الاثمة الاثنا عشر؛ ابومخرمه (م ۹۴۷ق) در قلادة النحر؛ بهایی (م ۱۰۳۱ق) در کشکول؛ ضامن بن شدقم (م ۱۰۹۰ق) در تحفة الأزهار؛ شبرای (م ۱۱۷۱ق) در الاتحاف؛ مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در بحار الأنوار؛ نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ق) در ریاض الأنوار؛ شیخ عباس قمی (م ۱۲۵۹ق) در منتهی الآمال؛ امین (م ۱۳۷۲ق) در اعیان الشیعة.

۱۳. رک: بندنجی، جامع الأنوار، ص ۱۵۸؛ ابن‌وادران، تاریخ العباسیین، ص ۵۹۸؛ شبلنجی، نور الأبصار،

ص ۳۳۶؛ مدرس، ریحانة الأدب، ج ۵، ص ۱۷۳.

نکته قابل توجه و حایز اهمیت درباره گونه سوم که به امام هادی علیه السلام ارتباط می‌یابد، آن است که این گزارش در کتاب‌های کهنی که درباره سیره و زندگانی معصومان علیهم السلام توسط شیعیان تدوین شده و بخشی از آن نیز به زندگانی امام هادی علیه السلام اختصاص یافته، راه نیافته است. منابعی مانند: *الإرشاد* شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، *اعلام‌الوری طبرسی* (م ۵۴۸ق) و *المناقب ابن شهر آشوب* (م ۵۸۸ق)، هرچند خبر سعایت از امام نزد متوکل و واری منزل او را نقل کرده‌اند،^۱ اما از احضار امام و شعر خواندن وی گزارش نکرده‌اند. این گزارش، بیشتر در منابع اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است.

گزارش مسعودی، به پیشینه این شعر اشاره نمی‌کند؛ اما این گزارش، منافاتی با گزارش پیشین که به وهب بن منبه می‌رسد ندارد. به احتمال بسیار، امام هادی علیه السلام به شعر رایجی تمثیل کرده که پیش از این، میان مردم و جوامع علمی رواج داشته و این شعر، سروده ابتدایی خود امام نیست و از جمله اشعار حکیمانه و با محتوای مناسب بوده که امام برای تذکر به متوکل، از آن بهره برده است؛ همچنان که دیگر ائمه علیهم السلام گاه به اشعار شعرا تمثیل می‌کرده‌اند.

د. گونه چهارم: سروده امام علی علیه السلام

از قرن نهم به بعد، به‌ویژه پس از روی کار آمدن دولت صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ق)، برخی منابع با استناد به دیوان امام علی علیه السلام،^۲ این اشعار را سروده حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند. مهم‌ترین ویژگی روایت به گونه چهارم، علاوه بر تغییر در سراینده آن، این است که اشعار

۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید، *الإرشاد*، ج ۲، ص ۳۰۲؛ فضل بن حسن طبرسی، *اعلام‌الوری*، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. دیوان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، اشعاری منسوب به امام علی علیه السلام که توسط نویسندگان مختلفی از جمله جلودی (م ۳۲۲ق)، فنجرودی نیشابوری (م ۵۱۳ق) و قطب‌الدین کیدری (م بعد ۶۱۰ق) گردآوری شده است. (ر.ک: آقا بزرگ طهرانی، *الذریعة*، ج ۲، ص ۴۳۱)

از نُه بیت به ۲۵ بیت افزایش یافته است. منابعی که گزارش را چنین آورده‌اند، به شرح زیر است:

علی بن حسین بن معین الدین میبیدی (م ۹۱۱ق)، در شرح دیوان امام علی علیه السلام، این شعر را از امام علی علیه السلام دانسته و ۲۵ بیت از این شعر را ذکر کرده است.^۱ ابن کربلایی (م ۹۹۷ق) در *روضات الجنان* نیز همین اشعار را از امام علی علیه السلام دانسته و چنین نوشته است:

و حضرت شاه اولیا، علی مرتضی - علیه التحیه والثناء - از احوال سلاطین گذشته که از ایشان اثر نمانده و روزگار آیت فنا بر ایشان خوانده، باین آیات آبدار دُرریار خیر داده: باتوا علی قلیل الاجیال تحرسهم...^۲

احمد بن یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) در *کشکول* نیز به نقل از دیوان مرتضوی، ۲۵ بیت از این اشعار را آورده است.^۳ همچنین، حبیب‌الله کاشانی (م ۱۳۴۰ق) در تفسیر ست سور، به نقل از *الدیوان العلوی* که متکفل یاد از اشعار امام علی علیه السلام است، تعداد نُه بیت از این اشعار را ذکر می‌کند.^۴ پس از ایشان نیز شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی (م ۱۴۰۳ق) علاوه بر اینکه این اشعار را از امام علی علیه السلام دانسته، اظهار کرده که امام هادی علیه السلام نیز همین اشعار را در مجلس بزم متوکل تمثل کرده است.^۵

انتساب این اشعار به امام علی علیه السلام، در منابع کهن پیشینه‌ای ندارد؛ به‌ویژه چند برابر شدن حجم و ابیات شعر و افزایش از شش بیت به ۲۵ بیت، بیانگر توسعه این شعر در ادوار بعدی است. انتساب این اشعار به امام علی علیه السلام، با هدف رواج و اعتباربخشی به آن بوده

۱. حسین بن معین الدین میبیدی، *دیوان امیر المومنین علی علیه السلام*، ص ۳۲۱.

۲. حافظ حسین کربلایی، *روضات الجنان و جنات الجنان*، ج ۱، ص ۵۳۰.

۳. یوسف بن احمد بحرانی، *کشکول*، ج ۳، ص ۱۴۷.

۴. حبیب‌الله بن علی مدد کاشانی، *تفسیر ست سور*، ص ۲۵۸.

۵. شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی، *المختار من القصاید*، ص ۱۰.

است. در زمینه انتساب این اشعار به امام علی علیه السلام، از آن جهت که حاوی نکات اخلاقی بوده، تسامح صورت گرفته است؛ زیرا تمایل عمومی بر آن است که کلمات بلند و حکیمانه، به بزرگان دینی منسوب شود؛ اما در این مورد خاص، منابع این انتساب را تأیید نمی‌کنند.

با توجه به محتوای بلند این شعر و رونق آن، افراد دیگری نیز به آن تمثل کرده‌اند و گاه تصور شده که این شعر، سروده آنان است؛ جرجانی (م ۴۳۰ق) در باب «سرعت زوال نعمت»، نه بیت از این اشعار را همانند مروج الذهب آورده و می‌گوید: این اشعار را ابوالهیثم بن مروان الزاهد انشاد کرده است.^۱

برخی دیگر نیز به اتکای همین شعر و به تضمین، سروده‌های خود را سامان داده و در اشعارشان از این شعر بهره برده‌اند؛ یاسر بن ترکی بن ثابت رصافی خطیب شحنه، از مشایخ ابن عساکر (م ۵۷۱ق)، از جمله این افراد است.^۲

نتیجه

منابع کهن، شعری را مشتمل بر نه بیت به امام هادی علیه السلام منسوب کرده و اظهار داشته‌اند که آن حضرت، این اشعار را در مجلس بزم متوکل برای تنبّه وی و همراهانش خوانده است. بنا بر گزارش برخی دیگر از منابع، قدمت اشعار به پیش از اسلام می‌رسد. در پژوهش حاضر، با پیگیری گونه‌های نقل این خبر، گزارش‌ها به لحاظ تبار و ریشه، به چهار گونه محصور شد که سه گونه نخست آن (روایت ابن قتیبه، روایت وهب بن منبّه و روایت میرد) با یکدیگر قابل جمع است و منافاتی میان آنها نیست. تنها گونه چهارم که

۱. حسین بن اسماعیل جرجانی، الاعتبار وسلوة العارفين، ص ۱۵۷.

۲. علی بن حسن بن هبة الله ابن عساکر، معجم الشيوخ، ج ۲، ص ۱۲۳۶.

اشعار به امام علی علیه السلام منسوب شده و ابیات آن به ۲۵ بیت افزایش یافته است، ریشه‌ای در منابع کهن ندارد و از این رو، این انتساب، فاقد اعتبار است.

اشعاری این چنین که دارای بار اخلاقی و مضامین بلند و بیدارگرانه است، پیوسته مورد توجه مردم بوده و در مواقع مناسب، بدان استناد می‌شده است. سراینده این گونه اشعار، روشن نیست و می‌توان آن را دستاورد چندین نسل دانست که هر یک به نوبه خود بر آن چیزی افزوده و یا از آن کاسته‌اند. امام هادی علیه السلام نیز در مجلس متوکل به یکی از این نمونه اشعار استناد و تمثیل کرده است. بعدها که این شعر مکانتی ویژه در میان نخبگان یافت، همراه با افزوده‌هایی به امام علی علیه السلام منسوب شد و در دیوان آن حضرت درج گردید.

منابع

١. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم: اسماعیلیان، ١٣٨١ق.
٢. ابشهی، ابو الفتح محمد بن احمد، *المستطرف فی کل فن مستطرف*، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت: عالم الکتب، ١٤١٩ق.
٣. ابن الوردی، زین الدین عمر، *تنمة المختصر فی أخبار البشر*، تحقیق احمد رفعت البدرای، بیروت: دار المعرفة، ١٣٨٩ق.
٤. ابن یحتری حلبی، عیسی، *انس المجنون وراحة المحزون*، تحقیق محمد ادیب جادر، بیروت: دار صادر، ١٩٩٧م.
٥. ابن جوزی، عبدالرحمن، *بستان الواعظین وریاض السامعین*، تحقیق ایمن عبدالجابر بحیری، بیروت: مؤسسة الكتاب الثقافية، [بی تا].
٦. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان وانباء الزمان*، تحقیق عباس احسان، قم: شریف رضی، ١٣٦٤ش.
٧. ابن طولون، شمس الدین محمد، *الائمة الاثنا عشر*، قم: رضی، [بی تا].
٨. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *بهجة المجالس*، تحقیق محمد مرسی خولی، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
٩. ابن عجیبه، احمد، *البحر المدید فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهرة: ١٤١٩ق.
١٠. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله، *معجم الشیوخ*، تحقیق دکتر وفاء تقی الدین، دمشق: دار البشایر، ١٤٢١ق.
١١. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل بن کثیر، *البدایة والنهاية*، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
١٢. ابن ناویا، عبدالله بن محمد، *الجمان فی تشبیحات القرآن*، تحقیق علی میرلوحی، مشهد: آستان قدس رضوی، ١٣٧٤ش.
١٣. ابن وادان، *تاریخ العباسیین*، تحقیق منجی کعبی، بیروت: دار الغرب الاسلامی، [بی تا].

۱۴. ابوالفداء، اسماعيل بن علي، تاريخ ابي الفداء، تحقيق محمود ديوب، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۱۵. ابومخرمه، عبدالله بن طيب بن عبدالله، قلادة النحر في وفيات أعيان الدهر، بيروت: دار المنهاج، ۱۴۲۸ق.
۱۶. ابوحيان توحيدى، على بن محمد، البصائر والذخائر، تحقيق وداد القاضى، بيروت: دار صادر، [بى تا].
۱۷. امين عاملى، سيد محسن، أعيان الشيعة، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
۱۸. آملی، حيدر بن علي، تفسير المحيط الأعظم والبحر الخضم في تأويل كتاب الله العزيز المحكم، تحقيق محسن موسى تبريزى، قم: نور على نور، ۱۴۲۲ق.
۱۹. بحراني، يوسف بن احمد، الكشكول، بيروت: دار و مكتبة هلال، ۱۹۹۸م.
۲۰. بندنجى، عيسى صفاء الدين، جامع الأنوار في مناقب الأخيار، تحقيق اسامه ناصر نقشبندى، بيروت: الدار العربى للموسوعات، ۱۴۲۲ق.
۲۱. بهايى، محمد بن حسين عاملى، الكشكول، بيروت: اعلمى، ۱۴۰۳ق.
۲۲. پارسا، خواجه محمد، فصل الخطاب لوصول الأحباب، تحقيق جليل مسگر نژاد، تهران: مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۸۱ش.
۲۳. جرجانى، الحسين بن اسماعيل، الاعتبار وسلوة العارفين، تحقيق عبدالسلام بن عباس الوجيه، مؤسسة امام زيد بن علي، ۲۰۰۱م.
۲۴. جزايرى، سيد نعمت الله، رياض الأبرار في مناقب الائمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ۱۴۲۷ق.
۲۵. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۶. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، منهاج الكرامة في معرفة الإمامة، مشهد: مؤسسة عاشورا، ۱۳۷۹ش.
۲۷. دميرى، كمال الدين محمد بن موسى، حياة الحيوان الكبرى، تحقيق احمد حسن بسج، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.

۲۸. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۹. دینوری، ابن قتیبه، *عیون الأخبار*، تحقیق یوسف علی طویل، قاهرة: دار الکتب، ۱۳۴۶ق.
۳۰. ابوبکر احمد بن مروان بن محمد، *المجالسة وجواهر العلم*، تحقیق مشهور بن حسن آل سلمان ابو عبیده، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق.
۳۱. ذهبی، شمس الدین، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
۳۲. زبیدی، مرتضی، *تاج العروس*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۳. سبط بن جوزی، *تذکرة الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۳۴. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، *الضوء اللامع لأهل القرن التاسع*، بیروت: منشورات دار مکتبة الحیاة، [بی تا].
۳۵. *البلدانیات*، تحقیق حسام بن محمد قطان، ریاض دار العطاء، ۱۴۲۲ق.
۳۶. شیراوی، جمال الدین، *الاتحاف بحب الاشراف*، قم: دار الکتب، ۱۴۲۳ق.
۳۷. شبلینجی، مؤمن بن حسن، *نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار*، قم: رضی، [بی تا].
۳۸. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۹. ضامن بن شدقم، *تحفة الأزهار وزلال الأنهار فی نسب ابناء الائمة الأطهار علیهم السلام*، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ش.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.
۴۱. طرطوشی المالکی، ابوبکر محمد بن محمد بن الولید القهری، *سراج الملوک*، مصر: اوائل المطبوعات العربیة، ۱۲۸۹ق.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، تحقیق علی خراسانی و همکاران، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۴۳. عامری الحرزی الیمانی، یحیی بن ابی بکر بن محمد، *غریبال زمان فی وفيات الأعیان*، تصحیح محمد ناجی زعبی عمر، دمشق: دار الخیر، [بی تا].

۴۴. فلکشندی، احمد بن علی، *مآثر الانا فیه فی معالم الخلاقه*، تحقیق عبدالستار احمد فراج، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۸ ق.
۴۵. قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال فی تواریخ النبی والآل*، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۴۶. قیسی الشریسی، ابوالعباس احمد بن عبدالمؤمن، *شرح مقامات الحریری البصری*، تصحیح محمد عبدالمعتمد خفاجی، مصر: ۱۳۷۲ ق.
۴۷. کاشانی، حبیب‌الله بن علی مدد، *تفسیر ست سور*، تحقیق مؤسسه فرهنگی ضحی، تهران: شمس الضحی، ۱۳۸۳ ش.
۴۸. کراچکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. کربلایی، حافظ حسین، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تحقیق جعفر سلطان القرائی، تبریز: ستوده، ۱۳۸۲ ش.
۵۰. توزری، عبدالملک بن کردبوس، *الاكتفاء فی اخبار الخلفاء*، تحقیق عبدالقادر بوبایه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۹ م.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۵۲. مدرس، محمد علی، *ریحانته الأدب*، تهران: کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹ ش.
۵۳. مستوفی قزوینی، حمد لله بن ابی بکر بن احمد، *تاریخ گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوابی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۵۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، *مروج الذهب*، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، *کشف الأسرار*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۵۷. میبیدی، حسین بن معین الدین، *شرح دیوان منسوب به امام علی علیه السلام*، تهران: انتشارات میراث مکتوب، [بی تا].
۵۸. ناشناس، *بخشی از تفسیری کهن به فارسی، تصحیح آیت‌الله زاده شیرازی*، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش.

۵۹. نجفی اصفهانی، شیخ مجدالدین، *المختار من القصائد والأشعار*، تحقیق محمدحسین نجفی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳ش.

۶۰. یافعی، ابو محمد عبدالله بن علی بن سلیمان، *مرآة الجنان وعبرة البقطن*، قاهرة: دار الکتب الاسلامیة، [بی تا].

۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، [بی تا].